یادداشت

تحولات افغانستان؛ برگی دیگر از انفعال سازمان‌های بین‌المللی

خشایار صدر منوچهری نائینی

دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل

پیرو نیازسنجی جامعه بین‌الملل در شرایط فعلی و شرایط خاصی که بر افغانستان حکمفرماست، لازم است نحوه مواجهه سازمان‌های بین‌المللی با تغییر رژیم حاکمیت در کشور افغانستان، بیش از پیش مورد رصد و تحلیل قرار گیرد. متاسفانه نیم‌نگاهی به تحولات جاری در کابل و نظام بین‌الملل روایت تلخی از انفعال سازمان‌های بین‌المللی در این آوردگاه مهم ارائه می‌دهد. سازمان‌هایی که به رسالت حداقلی خود در راستای ایجاد ثبات در افغانستان پایبند نمانده و حتی در مواردی، خود به مصادیق و نمادهای بحران در این کشور جنگزده تبدیل شده‌اند. هرچند طبق قواعد داخلی و بین‌المللی، ملت افغانستان در تعیین حق سرنوشت کشورشان تعیین‌کننده نهایی هستند، اما سازمان ملل و نهادهای ذی‌ربط -چه در زمان شروع درگیری‌ها و چه بعد از تسلط طالبان بر کشور افغانستان- هیچ گونه نقشی در راستای ایجاد ثبات حداقلی در این کشور ایفا ننمودند. معمولا زمانی که معادله در یک کشور پیچیده می‌شود، سازمان‌های بین‌المللی باید به مثابه مرجعی قدرتمند و حقوقی، در کسوت ملجا و پناهگاه ملت‌های آسیب‌پذیر وارد عمل شوند. با این حال، سازمان ملل متحد نیز نگاه سیاست‌زده‌ای نسبت به شرایط ۲۰ سال اخیر در افغانستان داشته است. همین مساله، وجاهت قانونی این سازمان بین‌المللی را نزد ملت افغانستان و دیگر ملت‌های دنیا از بین برده است. در شرایط کنونی با پیشرفت تکنولوژی، بالا رفتن سطح ارتباطی بین ملل، نیاز مبرم به نظم نوین جهانی در جهت بهبود مناسبات و پاسخگویی به خاستگاه جوامع محسوس است. اما سیاست‌زدگی سازمان‌های بین‌المللی مانع از تحقق این خواسته مهم و عمومی شده است. در نظم نوین جهانی نقش ملت‌ها قطعا پررنگ‌تر از دولت‌ها خواهد بود و استناد به رانت‌های بین‌المللی که متاسفانه در نگاه برخی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه قابل مشاهده است، جایگاهی در تبلور اراده و استقلال ملت‌ها نخواهد داشت. با گذر زمان جایگاه حقوق بین‌الملل و متعاقبا نقش‌آفرینی نهادهای بین‌المللی در راستای دفع بحران‌های جهانی از اهمیت و جایگاه پررنگ‌تری برخوردار خواهد بود. در چنین شرایطی سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی ناگزیر در انتخاب بین تحولات ریشه‌ای یا اضمحلال یکی را انتخاب کنند. اگر سازمان‌های بین‌المللی نتوانند به نیازهای حداقلی ملت‌های دنیا پاسخی حقوقی و عملیاتی دهند، قطعا نقش و جایگاه خود را به صورت مطلق و کامل از دست خواهند داد.

خبر

خبرهای بد برای بایدن

باگذشت ۹ ماه از ورود بایدن به کاخ سفید، پیش‌بینی دونالد ترامپ و بسیاری از هواداران او از پشیمانی رای‌دهندگان به بایدن به وقوع پیوسته است. اغلب نظرسنجی‌ها و حتی خوشبینانه‌ترین آنها از افت شدید محبوبیت بایدن و پیشتازی دونالد ترامپ در انتخابات آتی ریاست‌جمهوری حکایت دارد. برخی دلایل آن ضعف آشکار بایدن در غلبه بر بن‌بست سیاسی، وضعیت داخلی و اقتصاد آمریکا و سیاست خارجی عنوان شده‌است. پیش از این برخی شرکت‌کنندگان در نظرسنجی‌ها اعلام کرده بودند که باور دارند بایدن تصمیم‌گیرنده اصلی در سیاست‌های آمریکا نیست و اطرافیانش برای او تصمیم می‌گیرند. به گزارش ایندیپندنت، محبوبیت بایدن به‌ویژه پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و مسلط شدن طالبان بر این کشور با شیب بیشتری رو به سقوط است. دونالد ترامپ عملکرد بایدن درباره افغانستان را مایه شرمساری آمریکا خوانده‌است. موسسه نظرسنجی راسموسن نیز می‌گوید اگر همین امروز انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا برگزار شود، دونالد ترامپ با فاصله بایدن یا معاون او کامالا هریس را شکست می‌دهد. به گزارش گالوپ، ۶۹درصد آمریکایی‌ها مسیری که آمریکای تحت هدایت بایدن در حال حرکت در آن است را قبول ندارند. این در حالی است که تازه ۲۵۹ روز از دوره چهارساله ریاست‌جمهوری بایدن سپری شده‌است. نظرسنجی هاروارد ـ هریس نیز نشان می‌دهد که درصد آرا به نفع دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکاست و او در انتخابات دست‌کم ۴۸ درصد آرا را به دست خواهد آورد.

تظاهرات‌کنندگان برزیلی خواستار استیضاح رئیس‌جمهور شدند

در حالی که یک‌سال دیگر به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در برزیل باقی‌مانده ده‌ها هزار نفر در شهرهای ریو دوژانیرو، سائو پائولو و شهرهای دیگر در این کشور تظاهرات‌کرده و خواستار استیضاح رئیس‌جمهور جائیر بولسونارو به دلیل عملکرد ضعیفش در مهار پاندمی کرونا شدند. این تظاهرات از سوی احزاب چپ‌گرا و برخی جنبش‌های کارگری نزدیک به حزب رئیس‌جمهور سابق برزیل هدایت و سازمان‌دهی شده بودند. /آسوشیتدپرس

آشکارشدن نقطه‌ضعف اسرائیل در ماجرای واردات سوخت به لبنان

سیدهاشم صفی‌الدین، رئیس شورای اجرایی حزب‌ا... گفت در واردات سوخت از ایران فقط بحث سوخت مطرح نبود؛ رژیم‌صهیونیستی اقرار کرد که نمی‌تواند کاری کند. وی افزود: اسرائیل گفت که نمی‌تواند اقدامی در قبال کشتی‌هایی که جمهوری اسلامی ایران برای حزب‌ا... فرستاده بود انجام دهد، دلیلش هم آن بود که نمی‌خواست حزب‌ا... را وارد معادله جنگ دریاها کند و این نشان‌دهنده نقطه‌ضعف اسرائیل است که بر قدرت ما افزود./فارس

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نظام الجزایر را نظامی خسته و تضعیف شده خواند

اظهارات اخیر رئیس‌جمهور فرانسه در مورد الجزایر تنش‌های جدیدی میان دو کشور ایجاد کرده است

هوس دوباره استعمار

محمد علیزاده

بین‌الملل

روابط پرفراز و نشیب فرانسه و الجزایر دوباره این روزها متشنج شده و اظهاراتی که چند روز قبل از سوی امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه درباره تاریخ الجزایر مطرح شد، تنش‌های جدیدی را میان دو کشور دامن زد. طرح اظهارات جدید مکرون در کنار سابقه استعمارگری فرانسه، حساسیت الجزایری‌ها را به همراه داشته و وزارت خارجه الجزایر اعلام کرد سفیر خود در فرانسه را برای رایزنی فوری به الجزیره، پایتخت فراخوانده‌است. به گفته دولت الجزایر این تصمیم نشان‌دهنده ناخرسندی شدید از سخنان منسوب به امانوئل مکرون به‌ویژه توصیف نظام حاکم بر الجزایر به‌عنوان یک «سیستم نظامی. سیاسی» است. به گزارش یورونیوز دفتر ریاست جمهوری الجزایر بامداد یکشنبه با انتشار بیانیه‌ای، تاسف شدید خود از هرگونه مداخله در امور داخلی کشور را ابراز و اعلام کرد گفته‌های منتسب به امانوئل مکرون در بسیاری از رسانه‌های فرانسه منتشر شده و تاکنون تکذیب نشده‌است.

امانوئل مکرون درباره الجزایر چه گفت؟

روزنامه لوموند هفته گذشته گزارش کرد مکرون در دیدار با جوانان خانواده‌های کهنه‌سربازان جنگ الجزایر (۶۲-۱۹۵۴) گفته‌است که این کشور پس از استقلال براساس یک وابستگی ذهنی تاریخی شکل گرفت و یک نظام سیاسی ـ نظامی آن را اداره می‌کند.

لوموند در گزارش خود از دیدار رئیس‌جمهوری فرانسه با جوانان کهنه‌سربازان همچنین نوشته «آقای مکرون گفته‌است الجزایری‌ها یک تاریخ رسمی دارند که کاملا از نو نوشته شده و به جای اتکا بر واقعیت، براساس یک گفتمان مبتنی بر نفرت از فرانسه بنا شده‌است.»

وی همچنین وجود ملتی الجزایری پیش از استعمار را مورد تردید قرار داده‌است: «آیا پیش از استعمار فرانسه یک ملت الجزایری وجود داشته‌است؟»

وی همچنین عبدالمجید تبون، همتای الجزایری خود را به تاثیرپذیری از دیگران متهم کرده‌است: «با این‌که رابطه خوبی با تبون دارم اما وی تحت تاثیر اطرافیانش است.»

رئیس‌جمهور فرانسه افزوده‌است: «ما نظام الجزایر را خسته و تضعیف شده می‌بینیم. من گفت‌وگوی خوبی با تبون دارم اما معتقدم وی در یک نظام بسیار سخت، گیر افتاده‌است.

محدودیت‌های فرانسه برای شهروندان الجزایری

تنش‌های دیپلماتیک میان دو کشور از زمان کاهش صدور روادید برای شهروندان الجزایری از سوی فرانسه بالا گرفته‌بود. سه‌شنبه گذشته بود که دولت فرانسه از سختگیرانه‌تر شدن قوانین اعطای روادید به اتباع سه کشور الجزایر، مراکش و تونس خبر داد.

به گفته سخنگوی الیزه، این تصمیم در پی امتناع مقامات کشورهای یاد شده از صدور روادید و گذرنامه‌های کنسولی لازم برای بازگرداندن مهاجران غیرقانونی از فرانسه اتخاذ شده‌است.

گابریل آتال در این زمینه به شبکه رادیویی «یوروپ۱» گفت: «این یک تصمیم سخت و بی‌سابقه است اما به‌واسطه اقدام کشورهای یادشده برای نپذیرفتن آن‌دسته از اتباع‌شان که ما تمایلی برای نگه داشتن آنها نداریم، اتخاذ آن ضروری شده‌است.»

وی درباره زمان اجرای این تصمیم گفت دولت به زودی آن را اجرا خواهدکرد تا از این طریق کشورهای ذی‌ربط را ملزم به تغییر نگرش و بازنگری در سیاست‌ها برای صدور مجوزهای کنسولی کند.

سخنگوی دولت فرانسه همچنین در این گفت‌وگوی رادیویی تاکید کرد به موجب تصمیم اتخاذ شده صدور روادید برای شهروندان سه کشور مراکش، الجزایر و تونس ۵۰درصد کاهش می‌یابد.

اگرچه تصمیم جدید دولت فرانسه برای ایجاد محدودیت در اعطای ویزا به اتباع کشورهای عربی واقع در شمال آفریقا از سوی برخی تحلیلگران و جریان‌های سیاسی در این کشور یک ترفند انتخاباتی توصیف شده‌است که هفت ماه پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری اتخاذ شده‌است اما این مساله از نظر مقامات الجزایری قابل چشم‌پوشی نبود و واکنش آنها را به همراه داشت. در اعتراض به همین مساله بود که وزارت خارجه الجزایر، سفیر فرانسه در این کشور را فراخواند.

اما این مسائل تنها موضوعات تنش‌زا در روزهای گذشته میان دو کشور فرانسه و الجزایر نبوده‌است، چراکه دو هفته پیش هم امانوئل مکرون از لژیونرهای الجزایری ارتش فرانسه در دوره اشغال و استعمار تقدیر کرده‌بود. این گروه از نظامیان که با نام حرکی شناخته می‌شوند، در الجزایر و همچنین میان الجزایری‌های مهاجر در فرانسه، خائن به میهن و همدست جنایات اشغالگران به شمار می‌روند.

الجزایر، حریم هوایی خود را روی فرانسه بست

سلسله اقدامات تنش‌زا از سوی مقامات فرانسوی باعث شد دولت الجزایر در جدیدترین اقدام در این رابطه، حریم هوایی این کشور را به روی تمامی هواپیماهای نظامی فرانسه که در چارچوب عملیات برخان عازم منطقه ساحل آفریقا هستند، ببندد.

منابع آگاه به شبکه خبری روسیا الیوم گفتند، پرواز هواپیماهای نظامی فرانسه به مقصد منطقه ساحل از طریق حریم هوایی الجزایر از زمان حکومت عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس‌جمهور سابق، به عنوان یک امتیاز محسوب می‌شد.

این منابع افزودند تصمیم مزبور تاثیر شدیدی بر عملیات نظامی فرانسه خواهد داشت و خطای راهبردی رئیس‌جمهور سابق را اصلاح می‌کند و همچنین باعث کندی همکاری نظامی فرانسه و الجزایر در چند هفته آینده خواهد شد.

کارنامه سیاه

حکومت استعماری ۱۳۲ساله فرانسه بر الجزایر و هشت سال جنگ وحشیانه که به این استعمار پایان داد، میراثی از روابط پرتنش را بین دو کشور برجای گذاشته‌است و این تنش‌ها هر چند وقت یکبار روند صعودی به خود می‌گیرد.

مثلا تابستان سال قبل بود که همزمان با استرداد جمجمه ۲۴ نفر از مجاهدان الجزایری به این کشور شاهد تنش‌های لفظی بی‌سابقه‌ای میان مقامات دو کشور بودیم. جمجمه این مجاهدان که در جریان مقاومت علیه استعمار فرانسه کشته شدند تا قبل از آن تاریخ در موزه‌های فرانسه نگهداری می‌شدند.

پس از این رویداد، عبدالمجید تبون، رئیس‌جمهور الجزایر در مصاحبه‌ای با شبکه خبری فرانس ۲۴ گفت انتظار دارد امانوئل مکرون، به خاطر اشغال استعمارگرانه این کشور آفریقایی در گذشته معذرت‌خواهی کند. وی در این مصاحبه عنوان کرد: «ما قبلا عذرخواهی‌های نیمه‌کاره دیده‌ایم، قدم بعدی لازم است. ما منتظر آن هستیم.»

تبون ابراز امیدواری کرده‌بود با عذرخواهی مقامات فرانسوی، تنش‌های میان دو کشور کاهش یابد و جوی آرام‌تر برای روابط فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور ایجاد شود.

اما نه تنها چنین اقدامی از سوی مکرون صورت نگرفت، بلکه او رسما در سخنانی گفت فرانسه بابت اتفاقاتی که در جریان استعمار و جنگ رخ داده‌است توبه و عذرخواهی نخواهد کرد، اما حاضراست اقدام نمادین انجام بدهد.

اما اظهارات اخیر مکرون نشان می‌دهد حتی فرانسوی‌ها حاضر به انجام اقدامات نمادین نیز نیستند و هر چند وقت یکبار تنش‌های تازه‌ای را رقم می‌زنند. این رفتار و منش دولتمردان فرانسوی و به‌ویژه امانوئل مکرون در مورد برخی کشورهایی که در گذشته مستعمره فرانسه بوده‌اند نشان می‌دهد مقامات فرانسوی هنوز گهگاهی حال و هوای استعمار به سرشان می‌زند.

> سخنان اخیر رئیس‌جمهور فرانسه نشان می‌دهد نه تنها این کشور حاضر به عذرخواهی در خصوص جنایات فرانسه در خصوص مردم الجزایر نیست، بلکه هرچندوقت یک‌بار با اظهاراتی بر سطح تنش‌ها می‌افزاید

انگلیس و فقری که قابل پیشگیری نیست

آیا بحران اقتصادی انگلیس زودگذر است؟

دعوا بر سر بنزین و درگیری به دلیل کمبود اقلام اساسی. این تصویری از زندگی این روزها در انگلیس است. کمبود تنها مربوط به بنزین نیست، بلکه بسیاری از اقلام ازجمله گاز، شیر، غذا و.... با کمبود مواجهند و قفسه بیشتر فروشگاه‌ها خالی شده است. حتی ویال خون نیز کمیاب شده و پزشکان نمی‌توانند آزمایش خون انجام دهند. کمبود گاز به حدی است که برخی پیش‌بینی می‌کنند مردم انگلیس در زمستان امسال برای گرمایش با مشکل مواجه خواهند شد. اما همه این مشکلات ناشی از تصمیم خود مردم انگلیس است. برای یافتن دلیل آن باید کمی به عقب بازگشت. تا چندی قبل انگلیس دارای بهترین سیستم بهداشتی جهان بود و یکی از بالاترین استانداردهای زندگی را داشت. اما اتفاقی عجیب و تاریک رخ داد؛ برگزیت. اکنون مشکل انگلستان بسیار واقعی است. ساکنان لندن برای تهیه نان و شیر و گاز مشکل دارند، در حالی که آنها اهل یکی از ثروتمندترین شهرهای انگلیس هستند حالا تصور کنید شرایط در جاهای دیگر و نقاط فقیرتر چقدر بد است؟ این وضعیت یک فاجعه است. شما در بیشتر نقاط جهان می‌توانید مواد اولیه از جمله نان و شیر و گاز را تهیه کنید و شما باید بسیار بدشانس باشید که در منطقه شما حتی مایحتاج اولیه پیدا نشود. اما اکنون در انگلیس این‌گونه است. این دقیقا همان چیزی است که چندی پیش گوردون براون، نخست‌وزیر سابق هشدار داد: بریتانیا در راه تبدیل شدن به یک دولت شکست خورده و اکنون جایی است که احتمالا زمستان امسال برای گرمایش با مشکل مواجه خواهد شد.

چرا این شرایط ایجاد شد؟

توضیح شرایط فعلی ساده است و خیلی‌ها قبل از شروع کمبودها آن را برای انگلیسی‌ها توضیح داده‌اند. مشخص بود برگزیت به کمبودهای مزمن در اقلام ضروری مردم انگلیس منجر می‌شود. چرا؟ زیرا بریتانیا بیشتر مواد اولیه خود را از سایر کشورهای اروپایی وارد می‌کند. خوب است نگاهی به فهرست کمبودهای امروز در انگلیس بیندازیم. یکی از کمبودها ویال خون است که وارداتی است و توسط شرکتی آمریکایی به نام Becton Dickinson ساخته می‌شود. یکی دیگر از کمبودها دی‌اکسیدکربن است که برای دستگاه‌های منجمدکننده گوشت استفاده می‌شود و از سایر کشورهای اروپایی به انگلیس وارد می‌شود. در مورد غذا و شیر هم انگلیس واردکننده محض است. گاز و بنزین هم از سایر کشورهای اروپایی وارد می‌شود. همان‌طور که اقتصاددانان می‌گویند تجارت بین انگلستان و اروپا قبلا بدون اصطکاک و بدون سازوکارهای پیچیده بروکراتیک بوده است. اما الان مقادیر زیادی از کاغذبازی وجود دارد. یک پرورش‌دهنده ماهی قزل‌آلا ایرلندی می‌گوید اکنون به دلیل خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، ارسال محصولاتش به آمریکا ارزان‌تر از بریتانیاست. یک تاجر دیگر خاطرنشان کرد اکنون برای صادرات یک کامیون ماهی، ۷۱ صفحه فرم باید پر شود. این یعنی مواد واردشده از اروپا به اندازه کافی سریع به انگلیس نمی‌رسند یا اصلا نمی‌رسند. بسیاری از شرکت‌های اروپایی به‌سادگی عرضه انگلستان را متوقف کرده‌اند، زیرا بروکراسی، حاشیه سود آنها را از بین برده است.

آیا کمبودها موقتی است

کمبودهای گسترده همان چیزی است که هر فرد عاقلی درباره برگزیت پیش‌بینی کرده بود؛ زیرا شما نمی‌توانید تمام روابط تجاری خود را با بزرگ‌ترین مجموعه شرکای خود متوقف کنید و انتظار داشته باشید زندگی طبق معمول پیش برود.

این کمبودها موقتی نیستند. این کمبودها ادامه خواهد یافت و با دائمی شدن آنها، دیگر به آن کمبود گفته نمی‌شود. در خیلی از کشورهای جهان، روزهای بدون گوشت وجود دارد و به آن کمبود نمی‌گویند، بلکه به نوعی سبک زندگی تبدیل شده است.

در بریتانیا هم احتمالا همین‌طور خواهد شد. اکنون دیگر به اندازه گذشته نمی‌توان رفت‌وآمد کرد. زندگی ادامه دارد. مردم زنده می‌مانند و فقط فقیرتر هستند.

برگزیت این امکان را برای بریتانیایی‌ها فراهم نکرده است که بتوانند از همان سطح زندگی قبل از برگزیت برخوردار شوند. اکنون آنها انتخاب‌های و امکانات کمتری دارند. این یعنی در عمل، کالاهای کمتری در قفسه‌ها وجود دارد.

تنها موارد مشابهی که یک کشور این‌قدر سریع به سمت فقر حرکت کرده است شاید زمانی باشد که کشورهای آمریکای لاتین دچار انفجار ارز شدند. اما تفاوت اینجاست که انگلیس، جامعه‌ای ثروتمند بود که خودش تصمیم به تبدیل شدن به یک جامعه بسیار فقیرتر گرفت.

تنها قیاس واقعی در تاریخ معاصر برای یک جامعه ثروتمند که به معنای واقعی از مایحتاج اولیه بی‌بهره شده است، اتحاد جماهیر شوروی است و مشکل بتوان مثال دیگری برای این وضعیت پیدا کرد.

نکته مبهوت‌کننده این است صحبت کردن درباره این مساله هنوز در بریتانیا ممنوع است و حتی مصاحبه یک زن تاجر با بی‌بی‌سی ویرایش شد تا صحبت‌های او مبنی بر این‌که برگزیت، دلیل مشکلات فعلی است از این مصاحبه حذف شود.

اما این یک واقعیت است که بریتانیا هرگز مانند گذشته ثروتمند نخواهد شد. این یعنی انگلیس تبدیل به یک کشور فقیرتر می‌شود و زندگی پس از برگزیت به این شکل خواهد بود: سخت و دشوار و انگلیسی‌ها آن را انتخاب کردند.

اولین قانون زندگی بریتانیایی‌ها در این روزها این است: هیچ‌کس درباره برگزیت صحبت نمی‌کند. فقط در سکوت رنج می‌برید. اما شواهد به روشنی نشان می‌دهد برگزیت واقعا یک فاجعه بوده است. چند ماه پیش، بریتانیایی‌ها از کشف این‌که صادرات آنها به اتحادیه اروپا در برخی بخش‌ها ۹۹درصد کاهش یافته بود، شوکه شده بودند. اما همه اینها دقیقا همان چیزی است که عقلا سعی کردند در مورد آن به انگلیسی‌ها هشدار دهند.

اما انگلیسی‌ها هرگز واقعیت را درک نکردند. آنها خواهان معامله‌ای بهتر نسبت به عضویت در اتحادیه اروپا بودند. اما خروج از اتحادیه اروپا در حال حاضر به کاهش فاجعه‌بار استانداردهای زندگی در بریتانیا منجر شده است.

البته در نهایت، بریتانیا احتمالا راهی پیدا خواهد کرد تا کمی نان و بنزین بیشتر دریافت کند اما قطعا از جایی به‌جز اروپا. مایحتاج انگلیسی‌ها احتمالا از آمریکا خواهد آمد اما آمریکا جامعه‌ای بسیار فقیرتر از اروپاست. آمریکایی‌ها از هر نظر، زندگی بدتری دارند، از سلامت تا ثروت تا اعتماد عمومی، صمیمیت تا ثبات و ایمنی تا نجابت اولیه. در حال حاضر تنها سرنوشت باقیمانده برای بریتانیا این است که آمریکایی شود. این همیشه به عنوان آخرین نتیجه برگزیت قابل پیش‌بینی بود.

اکنون باید برای بریتانیای فقیر و احمق اشک ریخت. آمریکایی‌ها هم ممکن است احمق باشند اما حداقل می‌توانند گاز، نان، شیر و بنزین خود را تامین کنند ولی انگلیسی‌ها اکنون در حال تبدیل شدن به فقیر واقعی هستند. با این حال این‌قدر مغرور، بیهوده و خودباورند که نمی‌توانند این مساله را بپذیرند و روند آن را متوقف کنند.

منبع: eand.co